

جست و جوی جان و جهان

نگاهی به سفرنامه‌های فارسی

• دکتر فریده پورگیو
عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز
• دکتر منیژه عبداللهی
عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

نخستین توصیفات از چین، اولین گزارش‌ها درباره روسیه، اشاره به رفاه و امنیت مصر در قرن پنجم و یاشیوه استفاده بسیار جالب و ابتکاری از حواله‌ها و کارت‌های اعتباری در بازار بصره از جمله موضوعاتی است که در سفرنامه‌ها می‌توان یافت

با گسترش فتوحات اسلام در قرن هشتم میلادی، تحولاتی شگفت در قسمت‌های بزرگی از جهان متمدن آن روز به وقوع پیوست که در نوع خود بی‌نظیر است. تنها یکی از نتایج فرعی این تحول ایجاد و گسترش علم جغرافیا است؛ توضیح آن که با گسترش اسلام لزوم آشنایی مسلمین با جغرافیا، «صوره الارض» و نقشه‌کشی و نقشه‌برداری از سرزمین‌های دور و ناشناس به ویژه در لشکرکشی‌ها، اهمیت حیاتی یافت. به این ترتیب از قرن سوم هجری علم جغرافیا با کتاب صوره الارض خوارزمی پی‌ریزی شد و پس از آن کتب معتبر المسالک و الممالک و البلدان پدید آمد. جغرافی‌دان‌هایی چون ابن خردادبه، بلاذری و دیگران نیز تداوم آن را سرعت بخشیدند.

در کنار جغرافیای نویسی و به موازات آن، نوع جذابی از نوشته‌ها و کتب پدید آمد که به سفرنامه موسومند. سفرنامه‌ها حاصل تجربیات عینی و مشاهدات جهانگردان جسوری است که گاه بخش اعظم جهان آن روز را در دریا و خشکی طی کرده بودند. از آن جمله ابودلف در قرن چهارم حاصل سفرهای خود را در بین قبایل ترک آسیای مرکزی، چین، هند و نیز سفر به ایران در دوره ساسانیان، ابوزید سیرافی نیز حاصل سفرهای دریایی خود را در کتابی موسوم به سلسله التواریخ گردآوری کرد.

از این رهگذر، گاه اطلاعات منحصر به فردی به دست می‌آید که دامنه اعتبار آن تا امروز نیز کشانده شده است، چنان‌که نخستین توصیفات از چین، اولین گزارش‌ها درباره روسیه، رفاه و امنیت مصر در قرن پنجم و یاشیوه استفاده بسیار جالب و ابتکاری از حواله و کارت‌های اعتباری در بازار بصره از جمله موضوعاتی است که در سفرنامه‌ها می‌توان یافت.

ایرانیان هم چون دیگر فنون، از این رشته مهم که نشانگر روابط انسانی و توصیف آن است، به دور نماندند و شماری از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتب جغرافیا و سفرنامه‌ها را پدید آوردند که بیش‌تر به زبان عربی نگاشته شده است. در این میان برخی آثار به زبان فارسی نوشته شد که از جهت اعتبار با نوشته‌های عربی برابری می‌کند و در مواردی خاص گزارش منحصر به فرد است، هم‌چون گزارش سفرنامه ناصر خسرو از واحه‌ها و نقاط داخلی شبه جزیره عربستان و مناسبات اعراب بادیه‌نشین و طرز معیشت آن‌ها و یا گزارش امین‌الدوله از بازار برده‌فروشان و یا ثبت عقاید عامیانه مردم در مورد مکان‌های مقدس، چنان‌که نایب‌الصدر در وجه تسمیه کوه ابوقیس گفته است:

«قبیس نام آهنگری بوده و نخست کسی که در آن کوه خانه بنا نهاد، او بود». و یا در مورد نام چاه زمزم گفته که «هاجر بعد از مشاهده‌ی فوران آب چشمه گفت: زمزم یعنی آهسته‌آهسته و از این رو این چشمه و چاه به همین نام موسوم شد.»^۱ و یا گزارشی که ناصرالدین شاه از آرایش سپاه عثمانی و با ترکیب کارمندان ادارات (مثلاً در تلگراف خانه خانقین) ارائه می‌دهد، قابل توجه است.

آن چه این نوشته‌ها را خواندنی‌تر می‌کند، ذوق و قریحه هنری و شیوه نگارش هنرمندانه بعضی از این آثار است. چنان‌که در بررسی‌های سبک‌شناسانه، سفرنامه ناصر خسرو همواره به عنوان نمونه درخشان نثر مرسل متقدم معرفی می‌شود و سفرنامه امین‌الدوله نیز به دلیل برخورداری از نثری روان و سالم، از اولین نمونه‌های تحول ادبی در نثر معاصر به شمار می‌آید.^۲

با این همه، یادآوری این نکته ضروری است که در حوزه ادبیات فارسی و بررسی‌های صرفاً ادبی، سفرنامه‌نویسی چندان

◀ طرحی از مکه که در
سال ۱۸۵۴ میلادی
کشیده شده است



سفرنامه‌ها حاصل تجربیات
عینی و مشاهدات
جهانگردان جسوری است
که گاه بخش اعظم
جهان آن روز را در
دریا و خشکی
طی کرده بودند

هم‌چنین اعتصام‌الملک خانلر خان، از درباریان ناصرالدین‌شاه که به سال ۱۲۸۵ هجری قمری به عتبات عالیات سفر کرده است، آشکارا به بررسی اوضاع سیاسی آن سامان پرداخته است. در واقع سفرنامه او گزارشی است اختصاصی که برای شاه تدوین شده و در ضمن آن، شرحی کامل از چگونگی مصرف پول‌ها و اعتباراتی که شاه برای عمارت حرمین فرستاده به دست داده است.^۴ نیز از یک مراسم سینه‌زنی در روز عاشورا و نزاع همراه آن که در تکیه دولت و سقاخانه دولتی ایران رخ داده، شرحی کامل ارائه کرده است.^۵ اما قسمت مهم این گزارش، بررسی اوضاع سیاسی و گزارشی از وضعیت عمومی جامعه و مردم در ارتباط با دولت است. چنان که می‌نویسد:

«عامه مردم از تعدیات نامق پاشا شاکی بودند و هیچ تردید نداشتند که اگر قوام او دوامی به هم رساند، اغلب آبادی‌ها رو به خرابی خواهد نهاد.»^۶ و یا اوضاع مردم که از سلطه عثمانی به جان آمده بوده‌اند، چنین منعکس شده است:

«اعراب بدوی و شهری، آن چه شیعه اثنی‌عشری بودند ... استفسار می‌نمودند که کی شروع به جنگ خواهد شد که ما در رکاب لشکر اسلام جان نثاری کنیم و از عبودیت خارجی [دولت عثمانی] برهیم.»^۷

که به طور قطع مقصود خانلر خان از «لشکر اسلام»، سپاه ایران و دولت ناصرالدین‌شاه قاجار است.

۲- سیر تاریخی سفرنامه‌نویسی به زبان فارسی:

چنان‌که گذشت سفرنامه‌نویسی از آغاز تمدن اسلامی کم و بیش با جغرافیای‌نویسی پیوند داشته است و پدید آمدن کتاب‌هایی چون احسن التقاسیم، المسالك و الممالک، صوره الاض و اشکال

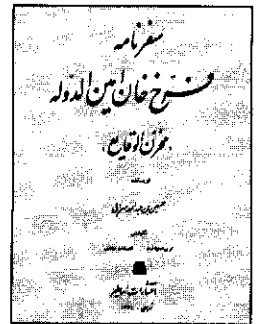
مورد اعتنا واقع نشده و در کتاب‌هایی که به بررسی انواع ادبی پرداخته‌اند، به سفرنامه‌نویسی به عنوان نوعی مستقل از ادبیات نگریده نشده است.

اما اگر نتوان از نظر ادبی این نوشته‌ها را تفکیک کرد، به‌طور قطع از جنبه هدف و مسیر سفر، می‌توان بخش عمده‌ای از آن‌ها را از دیگران متمایز کرد و آن سفرهایی است که جنبه زیارتی و مقدس‌گونه داشته‌اند. به عبارت دیگر در کنار سایر انگیزه‌های سفر نزد مسلمان، هم‌چون سفر به قصد کسب علم، سفر به قصد تبلیغ دین و نشر دعوت اسلامی، سفر به منظور تجارت و سفر برای انجام مأموریت‌های سیاسی؛ یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های سفر، زیارت مکه و درمقیاسی محدودتر، زیارت عتبات عالیات بوده است. این گونه سفرها و سفرنامه‌ها را نمی‌توان با انگیزه‌های معمولی سایر سیاحان و جهان‌گردان، یکی دانست.

به‌طور مسلم اصلی‌ترین محرک این سفرها، انجام فرایض حج و زیارت قبور ائمه در شهرهای مقدس عراق (عتبات عالیات) بوده است؛ با این حال نمی‌توان از این نکته چشم‌پوشید که در این سفرها نیز در زیر پوشش انجام واجب شرعی یا مقصد روحانی، مقاصد نهانی هم‌چون فرار از خشم شاه، تبعید خود خواسته، کسب احترام به وسیله تظاهر به دین‌داری و یا حتی جاسوسی نهفته است.

از آن جا که فریضه حج نوعی واجب شرعی محسوب می‌شود، شاه یا عمال حکومتی نمی‌توانسته‌اند به راحتی زائران را از این سفرها باز دارند. چنان‌که پس از عزل امین‌الدوله، وزیر ترقی‌خواه دوره قاجار، «بوی حمام‌فین» به مشام او و خانواده‌اش می‌رسد، از این رو وزیر در راه تبعید به شمال کشور، ناگهان تغییر مسیر می‌دهد و عازم حج می‌شود. به این ترتیب دربار را در برابر عمل انجام‌شده قرار می‌دهد و جان سالم به در می‌برد.

سفرنامه نویسان عصر قاجار، به ویژه رجال سیاسی، با تأکید جدی و افراطی بر نظم و انتظام کشورهای دیگر، به ویژه عثمانی در سفرنامه‌های خود، قصد بیدارسازی مردم خود و اولیای امور را در سر می‌پروراندند



سفرنامه ناصر خسرو
همواره به عنوان نمونه
درخشان نثر مرسل متقدم
معرفی می‌شود و سفرنامه
امین الدوله نیز به دلیل
برخورداری از نثری روان و
سالم، از اولین نمونه‌های
تحول ادبی در نثر معاصر به
شمار می‌آید

العالم، حاصل مسافرت‌های طولانی نویسندگان آن‌هاست و ناگزیر مشاهدات شخصی این محققان بخش مهمی از محتوای آن را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، سفرنامه‌نویس نیز به مقتضای حال و کار، اطلاعاتی درباره جغرافیای منطقه سفر، راه‌ها، اسامی شهرها و روستاها و نیز رودها و کوه‌ها ثبت می‌کند. از این رو جغرافیای نویسی با سفرنامه‌نویسی وجه یا وجوه مشترک بسیاری پیدا می‌کنند.

وجه تمایز سفرنامه‌ها با کتاب‌های جغرافیا، در نوع نگاه و شیوه نگارش نویسندگان آن‌ها به موضوع است. در واقع سفرنامه‌نویس به نوشته خود به صورت نوعی یادداشت شخصی یا دفترچه خاطرات می‌نگرد، چه بسا که در آغاز نیز اندیشه چاپ و نشر آن را در خیال نداشته باشد. از این رو شاید سفرنامه‌نویسی یکی از آزادانه‌ترین گونه‌های نویسندگی باشد. در این نوشته‌ها نویسنده آزادانه آن‌چه را که مورد توجه او واقع شده، از زاویه دید خود توصیف می‌کند. او نگران پی‌آمد یادداشت‌های خود نیست و به خوش‌آمد و بد‌آمد دیگران، به خصوص جامعه و محیط مورد توصیف خود، توجهی ندارد. انگیزه او تنها تازگی و ثبت تفاوت‌ها و دقت در نکات جالب و تازه‌ای است که پیش از این به چشمش نیامده و تجربه نکرده است. به ویژه اگر مسافر فردی سیاسی یا متوجه به امور سیاسی باشد، با تأملی متناسب، امور و نکات تازه و در خور مطالعه را یادداشت می‌کند، تا شاید در موقع مناسب از آن استفاده کند.

همین زاویه دید کاملاً شخصی، سفرنامه‌ها را بسیار متنوع کرده و هر کدام را به رنگی خاص به جلوه درآورده است. توضیح آن که میزان اطلاعات و فرهنگ نویسنده، آگاهی‌های سیاسی، شغل یا طبقه اجتماعی، اعتقادات و سلیقه‌های شخصی و نیز عقاید دینی مسافر و سایر اطلاعات او از وضعیت اقتصادی، مشاغل، سیاست جهانی و... در تعیین جهت نگاه او یا آن‌چه که در دیدگاه او «نو» و در نتیجه قابل توجه و یادداشت جلوه می‌کند، مؤثر است. این موضوع علت اصلی تنوع سفرنامه‌ها را بیان می‌کند. به ویژه گوناگونی غیر قابل انکار سفرنامه‌هایی چون سفرنامه‌های حج با موضوع واحد، محیط واحد و چه بسا وقت و زمان واحد، تنها از همین منظر قابل توجیه هستند.

قدیمی‌ترین، مهم‌ترین و جدی‌ترین سفرنامه موجود به زبان

فارسی، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی است که در قرن پنجم تألیف شده و حاصل سفر طولانی مؤلف به مهم‌ترین بخش‌های آباد و متمدن دنیای عصر خود بوده است. شیوه نگارش، طرز نگاه عینی و ساخت مستندوار سفرنامه ناصر خسرو، آن را تا دوره معاصر نیز، در شمار نمونه‌های عالی سفرنامه‌نویسی قرار داده است.

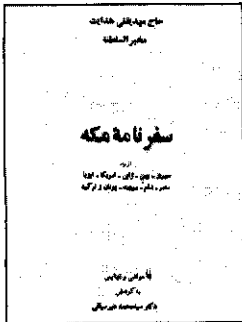
پس از ناصر خسرو، شاهد وقفه‌ای بسیار طولانی در امر سفرنامه‌نویسی هستیم. به عبارت دیگر پس از ناصر خسرو تا دوران قاجار سفرنامه قابل توجهی به زبان فارسی تدوین نشده است. یکی از علت‌های مهم این رکود، آشفتگی‌های اجتماعی - سیاسی دوران مغول و پس از آن است که مجال برای تدوین کتابی نسبتاً تفننی (به گمان مردم آن روزگار) فراهم نمی‌آورده است.

در دوران آرام‌تر صفویه (آغاز قرن دهم تا نیمه قرن دوازدهم هجری) نیز مسافرت مهمی به نواحی غربی ایران انجام نگرفته است. شاید یکی از علت‌های مهم این امر خصومت سنگین و جدال آشتی‌ناپذیر میان دولت شیعه صفوی با دولت عثمانی باشد که راه عبور را بر ایرانیان دشوار کرده بود.

هم‌چنین توجه به این واقعیت قابل تأمل است که در دوران مغول و بعد از آن علم تاریخ بر علم جغرافیا برتری می‌یابد و در برابر انبوه کتب تاریخی که به نثر ادیبانه نوشته شده، فقط چند کتاب جغرافیایی و سفرنامه نوشته می‌شود. شاید به این دلیل که ایلخانان مغول و جانشینان آن‌ها بعد از تاخت و تازهای گسترده اولیه، دیگر سودای جنگ نداشته‌اند و از تصرف و فتح سرزمین‌های تازه، دست شسته‌اند و تنها به این بسنده کرده‌اند که با تدوین کتب تاریخی دستاوردهای خود را به عنوان قومی فاتح در تاریخ ثبت کنند.^۸

شاید بتوان این توجه ویژه به تاریخ و فرو گذاشتن جغرافیا را نشانه چرخش نگاه و تعبیر طرز تفکر مردم نسبت به جهان نیز دانست. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت در قرون اولیه، طرز نگاه و شیوه تفکر اغلب برون‌گرا و آفاقی است و مسلمانان اولیه با اعتماد به نفس به افق‌های جدید و فتح سرزمین‌های دیگر چشم دوخته‌اند. اما به تدریج و بر اثر جنگ‌های طولانی (در جغرافیای عرب و ملل مسلمان به‌طور کلی، جنگ‌های صلیبی و در محدوده اقوام فارسی‌زبان، هجوم و تسلط اقوام ترک و نزاع‌ها و جنگ قدرت بین

هدف اصلی میرزا خاتلرخان اعتمام‌الملک از سفر به عتبات، ارزیابی موقعیت و فراهم کردن محیط مساعد برای مسافرت ناصرالدین‌شاه به آن نواحی بوده است



یکی از مهم‌ترین
انگیزه‌های سفر نزد
مسلمانان، زیارت مکه
و در مقیاسی محدودتر،
زیارت عتبات عالیات
بوده است

اولین مترجمان آثار غربی، در درجه نخست رمان و داستان و سپس تاریخ را در پیش نگاه خود داشتند، اما نمی‌توان از تأثیر این ترجمه‌ها و سبک نگارش آن‌ها بر نثر نویسندگان دوره قاجار و به تبع آن بر نثر سفرنامه‌ها، چشم‌پوشی کرد.

به نظر می‌رسد که این بار نیز توجه ناگهانی ایرانیان به سفر و سفرنامه‌نویسی معلول همان علتی باشد که در دوران میانه‌آن‌ها را از میدان به در برد. به عبارت دیگر، اواسط دوران قاجار دوران جنبش و تکان ذهنی و روحی است و ایرانیان خفته و خموده قرن‌ها، بار دیگر چشمان خود را گشوده، جهانی نوین را در مقابل خود می‌یابند. در این میان جمعی از ایرانیان تحصیل کرده که با سفر به اروپا ناظر پیشرفت‌های شگفت‌آن سامان شده بودند، حیرت خود را در قالب سفرنامه‌ها نگاشتند.^۳

این کیفیت در سفرنامه‌های حج نیز آشکارا جلوه می‌کند، به ویژه از آن جا که راه معمول این سفرها، با عبور از خاک عثمانی صورت می‌گرفت، پیشرفت‌های این دیار که خود به شدت از اروپا متأثر بود، ایرانیان را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌داد. چنان که هیچ سفرنامه‌ای نیست که به نحوی پیشرفت‌های استانبول و اسکندریه و سایر بخش‌های عثمانی آن روز و حتی بخش‌هایی از شمال آفریقا را منعکس نکرده باشد. به عنوان نمونه حسام‌السلطنه بخش‌های زیادی از سفرنامه خود را به گزارش جدی از عثمانی و مرحله‌های آغازین پوست‌انداختن آن اختصاص می‌دهد. در واقع سفرنامه‌نویسان عصر قاجار، به ویژه رجال سیاسی، با تأکید جدی و اقراطی بر نظم و انتظام کشورهای دیگر، به ویژه کشور عثمانی، قصد بیدارسازی مردم خود و اولیای امور را در سر می‌پروراندند.

در هر حال ورود به این مبحث از حوزه این نوشتار خارج است و بحثی دقیق‌تر و مجالی دیگر می‌طلبد.

۳- سفرنامه‌های زیارتی دوران قاجار:

یکی از پرجاذبه‌ترین و پرتطرف‌دارترین نوع سفرها، سفرهای زیارتی است. از عمده‌ترین سفرهای زیارتی جهان، سفر حج است که هر ساله مسلمانان جهان را به شهر مکه فرا می‌خواند و تقریباً همه آن‌ها به زیارت شهر مدینه و مکان‌های مقدس آن نیز نایل می‌شوند.

سلاطین این سلسله‌ها و سرانجام ضربه قطعی و نهایی هجوم مغول که از شرق تا غرب آسیا، عرب و عجم را در بر می‌گیرد (نگاه آفاقی اولیه به دیدگاهی انفسی و درون‌گرایانه میدل می‌شود و در مواردی نگاهی نوستالژیک به گذشته پرافتخار، افق دید متفکران را می‌پوشاند. از این رو مباحثی چون عرفان و تاریخ، جای فلسفه و جغرافیا را می‌گیرد و آن‌ها را از میدان به در می‌برد.

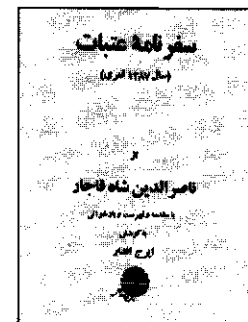
چنان که گفته شد، خاتمه حمله مغول و فرارسیدن دوران امن‌تر صفویه نیز مجالی برای سفرنامه‌نویسی فراهم نمی‌کند و در تمام این دوران به جز سفرنامه‌ای نسبتاً تفننی و منظوم به نام فتوح الحرمین که سراینده‌ای به نام محیی لاری، متوفی به سال ۹۲۷ آن را به نظم کشیده است،^۴ اثر قابل ذکر دیگری پدید نیامد.

قرن دوازدهم نیز از این بابت بسیار کم مایه است و حاصل این دوران سه اثر است. یکی سفرنامه‌ای منظوم از بانویی اصفهانی که اثر قابل توجهی به شمار نمی‌آید و دیگر سفرنامه‌ی شیخ محمدعلی حزین که در سال ۱۱۲۵، روزی که بنا بود سپاهیان افغان به اصفهان هجوم آورند، شهر را رها کرده و از راه خرم‌آباد عازم مکه شده است. این کتاب اگرچه به شیوه سفرنامه تدوین شده، ولی به وضوح از سنت تاریخ‌نگاری‌های مرسوم قرن دوازدهم تأثیر پذیرفته است.

هم‌چنین گویا در این دوران نویسنده‌ای به نام عبدالکریم شرح مسافرت خود را از هندوستان به مکه در کتابی ثبت نموده است. تاریخ سفر او به سال ۱۱۵۲ هـ. ق. ختم می‌شود. اصل کتاب که به زبان فارسی یا شاید به اردو بوده است، در دست نیست و از روی ترجمه‌های انگلیسی و فرانسوی کتاب، از وجود آن اطلاعات حاصل شده است. برگردان فارسی کتاب را آقای محمود هدایت با عنوان در رکاب نادرشاه از روی ترجمه انگلیسی کتاب چاپ و منتشر کرده است.

در دوره قاجار ناگهان سفرنامه‌نویسی رواج یافت. رسول جعفریان علت این رویکرد گسترده را رواج ترجمه سفرنامه‌های غربی به فارسی و تقلید از آن‌ها می‌داند و معتقد است: «این بار این تجربه [یعنی سفرنامه‌نویسی] با تقلید پیوند خورد و در مدت کوتاهی صدها سفرنامه نوشته شد».^۵

اگرچه بخش‌هایی از این اظهارنظر مبالغه‌آمیز می‌نماید و اصولاً



سفرنامه نویسی به نوشته خود به صورت نوعی یادداشت شخصی یا دفترچه خاطرات می نگردد، چه بسا که در آغاز نیز اندیشه چاپ و نشر آن را در خیال نداشته باشد

بنابراین، طبیعی است که سفرنامه‌های متعددی به زبان عربی و فارسی در این مورد نگاشته شده باشد. در این میان سفرنامه‌های فارسی اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا هنگام اجرای مناسک حج، اقوام غیرمسلمان به هیچ وجه اجازه ورود به مکه را ندارند؛ از این رو ایرانیان مهم‌ترین اقوام غیرعرب شرکت‌کننده در مراسم حج هستند و زاویه دید آن‌ها فرصت مغتنمی است تا از آن طریق اعراب خود را درآینه نگاه غیرببینند و باید و نیایدهای خود را ارزیابی کنند. شماری از مهم‌ترین سفرنامه‌های زیارتی قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری که در این مقاله از آن‌ها بهره گرفته شده، به این شرح است:

۱ - ریاض السیاحه، تألیف حاجی زین‌العابدین شروانی، آغاز سفر ۱۲۱۱هـ. ق. به قصد جهانگردی در یک سفر هجده‌ساله.
 ۲ - مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان به سال ۱۲۱۹هـ. ق. نویسنده کتاب، از ایرانیان ساکن هند بوده و با هدف معرفی اروپاییان به مردم فارسی زبان سفرنامه خود را نگاشته است. میرزا ابوطالب در اثنای سفر از عراق عرب نیز دیدار کرده است. کتاب او از جمله نخستین کتاب‌هایی است که در مورد عرب نوشته شده‌اند.
 ۳ - سفرنامه رضاقلی میرزا نایب‌الایاله (نوه فتحعلی شاه)، به سال ۱۲۵۰هـ. ق. قصد اصلی او از سفر، گریز از ایران به اروپا به دلایل سیاسی است که در طول مسیر مطابق معمول از عراق عرب عبور کرده است.
 ۴ - سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات، به سال ۱۲۷۳هـ. ق. نویسنده از رجال دولتی بوده و به قصد سیاحت و زیارت راهی سفر شده است.

۵ - سفرنامه سیف‌الدوله معروف به سفرنامه مکه، به سال ۱۲۷۹هـ. ق. نویسنده برادر وزیر و خود، شاهزاده بوده است.
 ۶ - سفرنامه میرزاخانلر خان اعتصام‌الملک، نایب اول وزارت امور خارجه، به سال ۱۲۸۵هـ. ق. کتاب گزارشی است که اعتصام‌الملک در حین سفر عتبات برای شاه تهیه کرده است. به نظر می‌رسد هدف اصلی او از این سفر، ارزیابی موقعیت و فراهم کردن محیط مساعد برای مسافرت ناصرالدین شاه به آن نواحی بوده است.

۷ - سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، به سال ۱۲۸۷هـ. ق.
 ۸ - سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، به سال ۱۳۰۲هـ. ق. سفر به قصد انجام فریضه حج انجام گرفته و نویسنده شخصی آگاه به سیاست بین‌المللی است. مقامات محلی نیز به خوبی او را شناخته‌اند، اما موقعیت شغلی و درباری او مشخص نیست.

۹ - از حریم تا حرم یا سفرنامه ابوالحسن خان فخرالملک به عتبات، به سال ۱۳۰۴هـ. ق. نویسنده از درباریان بوده و سفرنامه را به دستور شاه نوشته است.

۱۰ - سفرنامه نایب‌الصدر شیرازی، به سال ۱۳۰۵هـ. ق. این سفر به قصد زیارت مکه و سیاحت ایران و هند صورت گرفته است. نویسنده از خاندانی روحانی است و مشرب عرفانی دارد.

۱۱ - سفرنامه حاجی حسن پیرزاده، به سال ۱۳۰۵هـ. ق. این سفر مطابق بیان نویسنده به قصد زیارت جهان متمدن و اروپا و سرانجام زیارت عتبات، صورت پذیرفته است.

۱۲ - سفرنامه امین‌الدوله، به سال ۱۳۱۵هـ. ق. امین‌الدوله از وزرای معروف ترقی خواه و اصلاح طلب دوره قاجار بود که دولت قاجار اصلاحات او را برنتابید، بنابراین در اندک زمانی معزول شد و بلافاصله پس از عزل و در راه تبعید، به زیارت مکه شتافت.

۱۳ - سفرنامه مکه، اثر مهدی قلی هدایت، به سال ۱۳۲۱هـ. ق. نویسنده از دبیران و درباریان معروف است که به همراه نخست‌وزیر معزول، یعنی امین‌السلطان، سفری به دور جهان داشته است. این سفر در واقع به قصد دور کردن وزیر از مرکز حکومت و آرام کردن مخالفان او انجام پذیرفته است.

اولین نکته‌ای که از تأمل در شخصیت و موقعیت اجتماعی نویسندگان این سفرنامه‌ها به چشم می‌آید، پایگاه اجتماعی بالای آن‌هاست؛ اغلب درباری هستند و از تحصیلات عالی دوران خود برخوردار بوده‌اند. چندان از آن‌ها نیز تحصیل کرده اروپا هستند؛ به چند زبان غربی آشنایی دارند و تا حدود زیادی از مسائل مهم روز و سیاست بین‌الملل باخبرند.

این گروه چون خود از تربیتی اشرافی برخوردار بوده‌اند، همه چیز را از زاویه دید اشرافی و بورژوازی نگریسته‌اند. اکثر این افراد از اسکان در کاروانسراها و مسافرخانه‌های عمومی متعلق به گروه‌های پایین اجتماع امتناع کرده و به جای آن در خانه‌های شخصی منزل کرده‌اند. حتی در مواردی با خود خیمه و خرگاه برده و محیطی بومی فراهم آورده‌اند. از این رو با مردم معمولی به جز موارد ضروری، هم‌چون برخورد با ساریان‌ها و مأموران حمل و نقل، هیچ‌گونه مراوده‌ای نداشته‌اند. به طور معمول نیز به هر شهر که وارد می‌شده‌اند، با والی و رؤسای شهرنشست و برخاست می‌کرده‌اند و به جز مواردی استثنایی تقریباً هیچ کدام برای خرید مایحتاج بیرون نمی‌رفته‌اند.

اگرچه این نویسندگان با مردم عامی آمیزش چندانی نداشته‌اند، اما چون افرادی تیزبین و سیاستمدار بوده‌اند به نکات بسیار جالبی درباره‌ی اوضاع اجتماعی و زندگی عمومی مردم اشاره کرده‌اند که در



شیوه نگارش،
طرز نگاه عینی و ساخت
مستند و آرزو سفرنامه
ناصر خسرو،
آن را تا دوره معاصر نیز در
شمار نمونه‌های عالی
سفرنامه نویسی قرار
می‌دهد

... [سپس] قوت و قدرت و شوکت ایشان از غرب و شرق درگذشت و ممالک عراق و مصر و شام، و لایت مغرب و بربر و اکثر اراضی سودان ... بل که بعضی از جزایر هند گشودند...»^{۳۴}

۵- مسیر حرکت مسافران

دو قطب و مرکز زیارتی هدف اصلی مسافران به سرزمین اعراب بوده است:

الف. سرزمین عراق و زیارت قبور ائمه شیعه در شهرهای کربلا و نجف و سایر شهرهای مقدس عراق که اصطلاحاً «عتبات» نامیده می‌شود. مسافران این مسیر اغلب از نواحی غربی ایران به خانتین و شهرهای مرزی ایران و عثمانی وارد می‌شده‌اند. این سفر تا رسیدن به رود دجله زمینی طی می‌شده است و سپس در مسیر دجله، بخشی از راه با رودخانه همراه می‌شده و به دنبال آن سفر در آب و خشکی به طور متناوب ادامه می‌یافته است.

ب. سرزمین عربستان و زیارت خانه خدا یا سفر حج. مسافران عازم مکه اغلب سفر خود را از تهران به سمت شمال آغاز می‌کرده‌اند. پس از عبور از قسمت‌هایی از خاک روسیه، به آسیای صغیر و شهر استانبول وارد می‌شدند و از آن جا، با طی سفری دریایی مستقیماً به بندر جده وارد می‌شدند یا به سمت اسکندریه رفته و پس از دیدار از مصر، از طریق دریای سرخ به بندر جده می‌رسیدند. یکی از مسافران که در سال ۱۳۰۲ هـ. ق. سفر خود را آغاز نموده، مطلوب‌ترین مسیر را چنین شرح می‌دهد:

«پس بهتر این است که شخص از ایران، قسمی حرکت نماید که بیست و پنجم شهر رمضان در انزلی به دریا بنشیند و ده روزه به اسلامبول بیاید و پنجم شوال در اسلامبول می‌رسد و ده روز هم در اسلامبول توقف کند، نیمه شوال از اسلامبول در کشتی نشسته یک سر دوازده روزه به یمن برود و در یمن هم ... شتر و شقدف (نوعی کجاوه) گرفته و شش روزه به مدینه طیبه رسیده، تا بیست و پنج شهر ذی‌قعدة در مدینه طیبه بماند، آن وقت به اتفاق حجاج شامی روانه مکه معظمه شود و در روز ششم یا هفتم ذی‌الحجه وارد مکه شود ... این وضع و ترتیب برای کسی است که فقط مقصودش زیارت و صرفه و غبطه در مخارج باشد، اما کسی که ضمناً خیال سیاحت هم دارد ... از اسلامبول کشتی به اسکندریه کرایه کند ... و بیروت و شام را از همان جا از راه دریا برود و ببیند و به جده بیاید و طایف هم رفته، در قرن المنازل که میقات گاه اصلی طایف است بدون صدمه و زحمت وارد مکه معظمه شود...»^{۳۵}

و این خط سیر از اولین دوران تا قبل از شیوع سفرهای هوایی، به همین ترتیب، ادامه داشته است.

ترسیم حیات سیاسی و اجتماعی کشورهای میزبان کاملاً قابل استفاده است. آن چه همگی به اتفاق از آن سخن گفته‌اند فقر، ویرانی، جهل و دزدی در مناطق عرب‌نشین است. این بلایا در آن مناطق چنان شایع بوده است که حتی از چشم شاه [که کوچه‌ها را برایش جارو کرده و مردم را دور کرده‌اند] نیز پنهان نمانده است. برعکس در مقابل این عقب ماندگی‌ها، پیشرفت و گام نهادن در مراحل آغازین نوسازی در کشورهایی چون عثمانی، بارها گزارش شده است.

۴- حدود جغرافیایی سرزمین اعراب در سفرنامه‌های فارسی:

حدود جغرافیایی سرزمین اعراب از زمان ناصر خسرو تا دوران قاجار در نظر ایرانیان تفاوت چندانی نکرده است. ناصر خسرو در قرن پنجم حدود سرزمین اعراب را چنین توضیح می‌دهد:

«در اصطلاح زمین یمن را حمیر گویند و زمین حجاز را عرب و سه جانب این هر دو زمین دریاست ... و طول این جزیره ... که یمن و حجاز است ... از کوفه باشد تا عدن، مقدار پانصد فرسنگ از شمال به جنوب و عرض آن که از مشرق به مغرب است از عمان باشد تا به جاره که مقدار چهارصد فرسنگ باشد و زمین عرب از کوفه تا مکه و زمین حمیر از مکه تا به عدن...»^{۳۶}

ممالک نیز شرحی نزدیک به شرح ناصر خسرو ارائه داده است:

«و دیار عرب حجاز است: مکه و مدینه و یمامة و ... و پیوسته است به زمین بحرین و بادیه عراق و بادیه جزیره و بادیه شام ... و یمن کی مشتمل است بر تهامه و نجد ... و آنچه از حد عبادان در آید تا انبار برابر نجد و حجاز بر و لایت بنی‌اسد و بنی‌طی و بنی‌تمیم و دیگر قبیله‌های مضر این جمله را از بادیه عراق شمرند ... و آنچه از بلس تا ایله برابر حجاز بر دریای پارس تا ناحیت مدین برابر زمین تبوک تا به دیار طی رسد از بادیه شام گیرند...»^{۳۷}

در سفرنامه‌های متأخر نیز، سرزمین اعراب دقیقاً با همین موقعیت جغرافیایی ترسیم شده است.

با توجه به نمونه‌های ذکر شده و سایر کتب جغرافیایی می‌توان نتیجه گرفت، ایرانیان سرزمین حجاز، یمن و عراق عرب را سرزمین اصلی اعراب می‌دانستند؛ در مقابل سایر سرزمین‌ها را که سکونتگاه اعراب و عرب زبان‌ها بود، جزو سرزمین اعراب نمی‌دانسته‌اند. برخی از نویسندگان دوران قاجار هم این تقسیم‌بندی مشروط را محدودتر دانسته‌اند:

«اصل مسکن عرب را جزیره گویند و او محدودست از طرف مغرب به صحرای شام ... و از سمت مشرق به دریای فارس و عمان ... و از جانب جنوب به دریای هند و یمن و از شمال به بحرین و فارس

اولین نکته‌ای که از تأمل در شخصیت و موقعیت اجتماعی نویسندگان سفرنامه‌های دوره قاجار به چشم می‌آید، پایگاه اجتماعی بالای آن‌هاست

۶- وسایل سفر

۶-۱. مسافرت در خشکی:

در روزگار قدیم مسافران یا پیاده سفر می‌کرده‌اند یا از چهارپایان سود می‌جسته‌اند. در داخل عربستان، عمومی‌ترین وسیله حمل و نقل، شتر بوده است. در دوران‌های بعد، متمولین انواع کالسکه، درشکه، کجاوه و تخت‌روان را به‌کار می‌گرفته‌اند که به‌عنوان نمونه به‌موارد زیر اشاره می‌شود:

«از بیت المقدس پیاده با جمعی که عزم سفر حجاز داشته، برفتم. دلیل مردی جلد و پیاده روی نیکو بود».^{۱۶}

اما شترسواری برای ایرانی‌ها بسیار دشوار بوده است: «حاج عجم که در مدت عمر خود سوار شتر نشده، وانگهی شتری که بی‌اسب و لجام باشد، به اقسام مختلف از شتر به زمین خورده...»^{۱۷}

اشراف هنگام سفر از کالسکه استفاده می‌کرده‌اند:

«از بیروت کالسکه مخصوصی برای رفتن به شام ... کرایه نمودند و به مبلغ ۱۲ نیتو، ۲۴۰ فرانک می‌شود، که آن کالسکه جای چهار نفر دارد».^{۱۸}

ناصرالدین شاه نیز کالسکه خود را این چنین توصیف می‌کند:

«کالسکه کوچک زمستانی که در ضمن تشریفات از جانب سلطان برای من حاضر کرده‌اند... کوچک و مختصر است، اما بسیار نفیس و قشنگ ساخته شده است».^{۱۹}

تخت‌روان و شکدف که نوعی کجاوه بوده، از جمله وسایل حمل و نقل به‌شمار می‌آمده است:

«[شکدف] سیدی و بزرگ‌تر که در آن می‌شود پا را دراز کرد و یله داد، از کجاوه راحت‌تر است...»^{۲۰}

در یکی از منابع آرایش کامل یک قافله بزرگ چنین توصیف شده است:

«شش نفر سوار، بلد راه جلو قافله می‌رفتند، پنجاه جمازه سوار دنبال قافله می‌آمدند و در موقع رحیل دهل زنان حرکت می‌کردند که پیاده عقب نماند... سه هزار شتر که در قافله بود در

چهار قطار، دو قطار یک طرف و دو قطار یک طرف می‌رفتند و فاصله آن‌ها به ده ذرع عرض خیابانی می‌افتد... [که] ابدأ در عرض خیابان اعوجاجی پدید نمی‌شد. به کجاوه‌ها فانوس آویزان بود و جمازه‌ها گاهی نوای حدی سر می‌دادند و آواز آن‌ها در نوای زنگ شترها می‌آمیخت. در شب مهتاب، من منظری مصفا تر و فرح بخش تر ندیدم... یک ساعت و نیم لازم بود که دنباله قافله جای سرفافله بیاید».^{۲۱}

در یک سفر اشرافی با کاروان، ضروری‌ترین وسایل به این صورت برشمرده شده است:

«تخت‌روان، کجاوه‌شامی و عراقی، شکدف، ساج‌آهن، مشک‌آب، جودی (نوعی مشک کوچک که آب را خنک نگه می‌دارد. نویسنده حدس زده کلمه مصغر «جدی» به معنی بزغاله است، زیرا این مشک از پوست بز ساخته شده است)».^{۲۲}

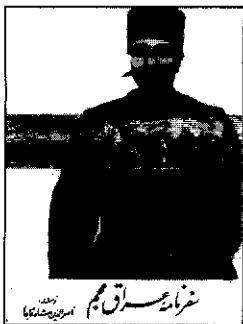
در سفرهای دوران جدیدتر، از نوعی گاری بزرگ مسافری عمومی که بر ریل یا خط‌آهن حرکت می‌کرده، نام برده شده است. این وسیله در مسیر پررفت و آمد کاظمین به بغداد، حرکت می‌کرده است: «مسافت از کاظمین به بغداد به قدر یک ساعت است و آن راه را مدت ده سال است که خط‌آهن کشیده‌اند و هر روزه هر نیم ساعت... حرکت می‌کند و به مدت سه ربع ساعت به منزل می‌رسند. آن گاری را دو اسب حرکت می‌دهد و در گاری، اندرون و بالای آن به قدر پنجاه نفر یا بیشتر جمعیت می‌نشینند و به سهولت آن را دو اسب می‌کشند و از هر آدمی دو قمری می‌گیرند که شش شاهی ایران باشد».^{۲۳}

هم چنین مسافران متمول می‌توانسته‌اند مسیر اسکندریه به سوئز را به وسیله راه‌آهن طی کنند:

«از اسکندریه به سوییس هم همه روزه کالسکه می‌رود که قریب ۲۶۰ میل مطلق انگلیسی است... و بدون معطلی در ده ساعت می‌رود. [بلیط] درجه اول ۱۰ تومان، دوم ۷ تومان و سوم ۴ تومان است. اما بسیار بی‌نظم و ترتیب است... عملجات کالسکه و

گرچه «سفرنامه شیخ محمدعلی حزین» به شیوه سفرنامه تدوین شده، ولی به وضوح از سنت تاریخ‌نگاری مرسوم قرن دوازدهم تأثیر پذیرفته است

از اولین سفرنامه‌های فارسی: یعنی سفرنامه ناصر خسرو
تا آخرین سفرنامه‌ها در دوران معاصر
گزارش‌های متعددی از بی‌قریبی و بی‌امان «دیار عرب» ثبت شده است



بوده است. مسافران خبره ابتدا بلیت درجه سه تهیه کرده، هنگام ورود به کشتی با دادن مبلغی به کارگزاران جای خود را عوض می‌کرده‌اند:

«این منفعتی است که به کیسه کاپیتان و اپورات می‌رود ... و بعضی اتاق‌هایی هم که مخصوص عملجات واپور است ... به وجه جزئی کرایه می‌دهد و بهتر و خلوت‌تر است ...»^{۳۸}
اما ناصرالدین شاه کشتی‌های متفاوتی را که در مسیر عراق عرب در حرکت بوده‌اند، چنین توصیف کرده است:

«کشتی کوچک یعنی لنگه بخار که در شط فرات دارند حاضر کردند، سه چهار نفر عمله عثمانی داشت و یک نفر انگلیسی در سر سکان و مراقب درجه بخار بود... اما کشتی به واسطه بخار ذغال و روغنی که به چرخ‌ها زده بودند متعفن بود و به ثانی حرکت می‌کرد... به کشتی موسوم به فرات رسیدیم که دو دستگاه بخار داشت و خیلی تمیز و پاکیزه ساخته شده...»^{۳۹}
از متن کتاب و توصیفات آن می‌توان استنباط کرد که این کشتی‌های رودخانه‌پیما را در محل می‌ساخته‌اند:

«(در بغداد) عمارت اداره کشتی‌ها و کارخانه کشتی‌سازی که کمپانی انگلیس بانی است...»^{۴۰} و «کشتی کوچکی تازه در بغداد ساخته بودند، به اتمام رسیده بود، می‌خواستند به آب بیندازند...»^{۴۱}
مطابق گزارش‌های متعدد، این کشتی‌ها در مسیر رودخانه اغلب به گل می‌نشسته‌اند و با زحمت و تدابیر بسیار، آن‌ها را آزاد می‌ساخته‌اند. مردم عادی و اعراب نیز برای عبور از رود، از قایق‌های معمولی استفاده می‌کرده‌اند که آن را «قفه» می‌نامیده‌اند. این کشتی‌ها «طراده» نیز نامیده می‌شده‌اند.^{۴۲}

«... به کنار شط رسیدیم و قفه‌ها ایستاده بودند که زوار را رد کنند. بعضی قفه‌ها بزرگ‌تر بود که اسب‌ها را حمل می‌کردند ... بسیار بی‌نظم بود. یکی ده شاهی برای آدم و بار و کجاوه می‌گرفتند که حق دیوان می‌گفتند و نفری دوشاهی هم حق عملجات می‌گرفتند...»^{۴۳}
اما اعراب بدوی، از ابتدایی‌ترین و وسیله ممکن برای حمل و نقل

مهمان خانه‌های آن همه عرب‌اند مگر چند نفر انگلیسی‌اند که عمل آتش‌خانه کالسکه با آن‌هاست.»^{۴۴}

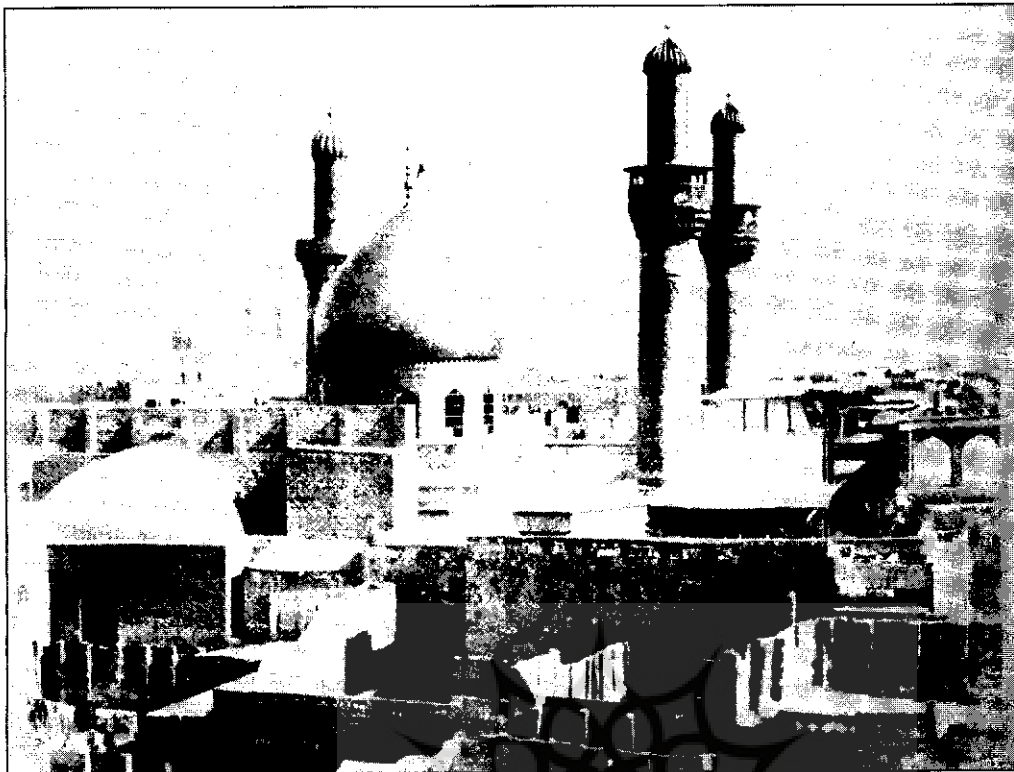
۶-۲. راه‌آبی و وسیله‌های مسافرت دریایی

ناصرخسرو در راه رسیدن به جده از طریق دریای قلزم [دریای سرخ]، سه ماه در شهر عیذاب ماندگار شد تا باد موافق بوزد:
«سه ماه که آن‌جا بودیم ... از آن‌که کشتی روانه نمی‌شد، باد شمال بود و ما را باد جنوب می‌بایست...»^{۴۵}
در دوران متأخر همین مسیر را با استفاده از نوعی کشتی موتوری موسوم به «واپور» می‌پیمودند که در اندازه‌ها و انواع مختلف بوده است. بعضی از آن‌ها با وجود اشرافی بودن، مورد انتقاد مسافران متمول واقع شده است:

«در کشتی خدیوی [متسوب به پادشاه مصر] که عازم جده است، دریای قلزم (احمر) پیموده خواهد شد. کشتی چندان نظیف نیست. نهایت بی‌سلیقگی را به‌کار برده‌اند. مستراح‌ها مشرف به «سال آمانزه» است (ناهارخوری). ظاهر بی‌یک، تاخدای کشتی با ما به مکه می‌آید. مردی کامل و میادای آداب است.»^{۴۶}

علاوه بر کشتی‌های موتوری، کشتی‌های اقیانوس‌پیما نیز در این مسیر حرکت می‌کرده‌اند. کمپانی‌های کشتی‌رانی اقیانوس‌پیما که مقر آن‌ها در اسلامبول بوده و به همه جا به‌ویژه به بندر جده مسافرت می‌کرده‌اند، در سال ۱۳۰۲ هـ. ق. این‌گونه معرفی شده‌اند:
«کمپانی نمسه، که از هر جهت معتبر و با سفارت ایران هم‌رد خصوصیتی دارد، کمپانی عرب که از اهالی مصر و اسکندریه و سوییس‌اند، کمپانی فرانسه ... کمپانی عثمانی که از اهل اسلامبول‌اند ... کمپانی روسی ... و چند واپور هم از تبعه دولت انگلیس است ... کرایه هر نفری تا به جده [از اسکندریه] در درجه سوم ۳ لیره و نیم و درجه دوم دو برابر و اول سه برابر است...»^{۴۷}

مطابق گزارش مسافران در واپور، بخشی وجود داشته به نام «قمره» که بسیار راحت‌تر از سایر قسمت‌ها و بلیط آن نیز بسیار گران‌تر



◀ گنبد و بارگاه امام حسین (ع) در کربلا، آلبوم خانه کاخ گلستان ۱۲۸۶ هـ. ق

استفاده می‌کرده‌اند:

از طرف دیگر از همان آغاز و از اولین سفرنامه فارسی، یعنی سفرنامه ناصر خسرو تا آخرین سفرنامه‌ها در دوران معاصر، گزارش‌های متعددی از بی‌ترتیبی و بی‌سامانی «دیوار عرب»، ثبت شده‌است:

«در عموم این منازل دو قدم نباید از قافله دور شد چه شب و چه روز... که در کمین نشسته‌اند... حتی روی بار و شکادف [شکداف، نوعی کجاوه]. اگر خفتی، افتی به دست دزد و رفتی...»^{۳۱}

با تأمل در این آراء درمی‌یابیم سفرنامه‌نویسان ایرانی که در واقع نماینده تفکر ایرانیان درباره اعراب هستند، در برخورد با این قوم همواره دچار تناقض شده‌اند و چنان‌که گذشت، عالی‌ترین ستایش‌ها را همراه با سخیف‌ترین اوصاف به‌طور هم‌زمان در آثار خود جلوه داده‌اند. جلوه‌ای از این تضاد را در این سطور کتاب ریاض‌السیاحه به خوبی می‌توان یافت:

«الحق قبایل عرب به صفت شجاعت و سخاوت و فراست موصوف و به حکایت غیرت و ضیافت نمودن معروفند، اما گروه بی‌ادب و برمزاج ایشان مکر و دغا و تزویر و ریا غالب و بر جور و عناد و فتنه و فساد طالبند. حرص و طمع بسیار دارند. لاجرم همواره طریق راه‌زنی و قطاع‌الطریقی می‌سیارند.»^{۳۲}

با این حال نمی‌توان از ذکر این نکته غافل ماند که اگرچه زایران در طول مسیر حرکت خود با گروه‌ها و قشرهای مختلفی از اجتماع اعراب برخورد داشته‌اند، اما به‌طور قطع بیش از همه جماعتی که عهده‌دار امر حاج و امور حاجیان بوده‌اند، مورد توجه ایرانیان واقع شده‌اند. از قدیم‌ترین ایام نیز بخش‌های عمده‌ای از سفرنامه‌ها به

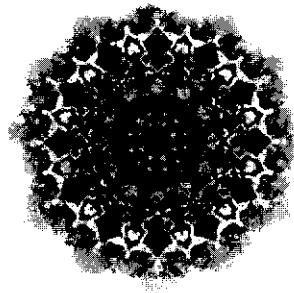
«چند خیک را یاد کرده بودند بر روی آن تخته‌بندی کرده، چندین بار جو و گندم را حمل می‌کردند...»^{۳۳} و «عربی دو مشک باد می‌کرد، سرش را می‌بست، کشتی فوری می‌ساخت مثل زورق روی آب می‌افتاد، عبور می‌کرد.»^{۳۴}

۷- عمده‌ترین تصویر اعراب در نظر ایرانیان

در نظر ایرانیان مسلمان، قوم عرب و سرزمین اعراب را هاله‌ای از تقدس و احترام فرا گرفته است. چنان‌که مؤلف مسالک و ممالک، کتاب خود را با «ذکر دیار عرب» آغاز می‌کند. استدلال او برای مقدم داشتن دیار عرب چنین است که خانه خدای تعالی آن جاست و خانه کعبه ناف زمین است و خدای عزوجل آن را در قرآن «ام‌القری» خوانده است.^{۳۵} و پس از آن به «ذکر دریای پارس» می‌پردازد، نه از آن جهت که موطن مؤلف است، بلکه «به حکم آن کی بر دیار عرب می‌گردد.»^{۳۶}

نویسنده دیگری مفتخر است که «قبیله ایران به جهت کعبه عالی‌ترین قبیله‌هاست»^{۳۷} و هم او می‌نویسد: «طول مکه «عز» و عرض آن «کام» است.»^{۳۸} دامنه این تعلق و علاقه از شبه جزیره عربستان عبور می‌کند و عراق عرب را نیز در بر می‌گیرد. چنان‌که نویسنده نزهةالقلوب عراق عرب را «دل ایران شهر» می‌نامد و دلایل خود را بر ترجیح عراق عرب چنین شرح می‌دهد:

«عراق عرب در قبیله است و آن را مقدم داشتن بهتر... [و] چون دارالملک امیرالمؤمنین است...»^{۳۹}



توصیف این گروه‌ها اختصاص یافته است و نویسندگان از شکل و شمایل ظاهری تا خصوصیات روانی و ویژگی‌های صنفی و طبقاتی آن‌ها را از زیر ذره بین قرار داده‌اند.

بسیار طبیعی است که اساس زندگی اعراب بادیه از طریق کاروان‌داری و جمالی که به ویژه در مراسم حج کاملاً پر رونق است تأمین شود، اما این گروه به شدت آماج حمله نویسندگان سفرنامه‌ها واقع شده‌اند و همه آن‌ها به اتفاق از خشونت و بی‌رسمی این گروه، شکوه‌ها سرداده‌اند. به عنوان نمونه ناصر خسرو شرحی طنزآمیز از رفتار آنان با گروهی از حجاج به دست داده است:

«از مردم خراسان ... ششم ذی‌الحجه ایشان را صد و چهار فرسنگ مانده بود تا به عرفات رسند گفته بودند هر که ما را در این سه روز که مانده است به مکه رساند چنان که حج را دریابیم هر یک از ما چهل دینار بدهیم، اعراب بیامدند و چنان کردند که به دو روز و نیم ایشان را به عرفات رسانیدند و زر بستانند و ایشان را یک یک بر شتران حمازه بستند و به عرفات آوردند، دو تن مرده... و چهار تن زنده بودند، اما نیم مرده... حکایت کردند که در راه بسی خواهش کردیم بدین اعراب که زر... شما را باشد، ما را بگذارید که بی طاقت شدیم از ما نشیندند و هم چنان برانندند...»^{۳۳}

و صاحب ریاض السیاحه نوشته است:

«عرب‌ها همین که یک نفر مرد، و جدی دارند. می‌گویند حاجی مرد، شتر خلاص...»^{۳۴}

هم‌چنین در تمام سفرنامه‌های متأخر، از عهدشکنی، خشونت و حيله این گروه داستان‌ها ذکر شده است. علاوه بر آن، باج‌گیری و دزدی نیز از درآمدهای قابل توجه اعراب در این ایام شمرده شده است و در مواردی بعضی از بی‌رسمی‌ها و اخاذی‌ها چنان شایع بوده که به طور رسمی به نامی خاص موسوم و شناخته بوده است، از آن جمله است:

الف - باج‌گیری (اخاوه، خاوه):

یکی از درآمدهای رسمی اعراب بادیه، نوعی باج‌گیری از قافله‌هایی بود که از محدوده آن‌ها عبور می‌کردند، فراهانی شرحی دقیق از آن به دست داده است:

«روسای قبیله عرب در خاک خود از عابرین حق عبور می‌گیرند

و این حق عبور موسوم به خاوه (اخاوه) است [و اگر پرداخت نشود] اسباب معطلی‌ها خواهد شد...»^{۳۵}

این رسم باج‌گیری اعراب از قافله‌ها و حجاج از دیرباز و از روزگار ناصر خسرو رواج داشته است و گاه به دلیل زیاده‌خواهی و زورگویی اعراب و گاه به دلیل امساک کاروانیان، جنگ و مناقشه روی می‌داده است، به عنوان نمونه:

«از مغرب قافله عظیم آمده بود و آن سال به در مدینه شریفه، عرب از ایشان خفارت [حق محافظت و راهنمایی] خواست به گاه بازگشتن از حج و میان ایشان جنگ برخاست و از مغربیان زیادت از دو هزار آدمی کشته شد...»^{۳۶}

مشابه این ماجرا نزدیک به هشت قرن بعد تکرار می‌شود:

«اندک مسافتی که طی کردیم از دور صدای توپ آمد... شیپور کشیدند... خبر رسید که میان اعراب سکنه این نواحی و محمل مصری برای رسوم اخوه نزاع در گرفته و مصاف داده‌اند... روایات متواتر است که عرب‌ها جنگیدند و چندین نفر کشته و مجروح شدند... سبب زد و خورد می‌گویند همان تعلیل و مضایقه در تأدیه رسوم معموله و حق اخوه است...»^{۳۷}

و در مواردی اوضاع پیچیده تر هم می‌شود:

«گاهی روسای قافله، قبلاً این پول را از مسافران می‌گیرند اما آن‌ها را به روسای قبایل نمی‌دهند و می‌گریزند، در نتیجه قافله بدون رئیس در برابر اعراب معطل می‌ماند و مسافران همان عوارض را دوباره می‌پردازند تا اجازه عبور یابند...»^{۳۸}

ب - مطوفین و حمله‌دارها:

مطوفی و حمله‌داری از مشاغل سابقه‌دار در محیط‌های زیارتی، به ویژه مکه است. مطوف کسی است که حاجی را در انجام مناسک حج یاری می‌دهد.

فراهانی گزارش می‌دهد که در مکه قریب سی نفر مطوف شیعه و سنی است که شغل خود را از پدران خویش به ارث برده‌اند. رونق کار آنان چنان است که هر کدام پیشکارانی دارند که قبل از موسم حج به جاهای مختلف و گاه کشورهای هم‌جوار روانه می‌شوند و حجاج را به سوی مطوف مخدوم خود دعوت می‌کنند. حتی در مواردی خود مطوف شخصاً برای جلب مشتری به شهرهایی چون نجف و کربلاکه

سفر
ادیب‌الملک بجات

مجله علمی-تاریخی
شماره ۱۳۳

حج
سفرنامه‌ها



محل عبور حجاج است، می‌رود و چنان چه حاجی موافقت کند و اداره امور خود را به او واگذار نماید، به قول فراهانی «دیگر این حاجی خرسواری و ملک شش دانگی آن مطوف می‌شود. فرضاً حاجی بخواهد متاعی از آن جا به جهت سوغات یا تجارت خریداری کند، [مطوف] به طوری با فروشنده کنار می‌آید که حاجی در نهایت گرانی بخرد و اقلاً نصف منافع به او [یعنی مطوف] برسد».^{۳۳}

سایه مطوف‌ها در همه جا و بر سر همه کس گسترده بوده و به اندازه‌ای نفوذ داشته‌اند که حتی از شترداران و کجاوه‌کش‌ها نیز سهم دریافت می‌کرده‌اند، چنان که نایب‌الصدر می‌نویسد:

«بیچاره [جمال] می‌گوید شانزده ریال کرایه به من بیش نمی‌دهند، از آن طرف از حاجی هفتاد و پنج ریال می‌گیرند...»^{۳۴}

این شغل با مختصر تغییراتی در روزگار معاصر نیز وجود داشته و جلال‌آل احمد در این مورد می‌نویسد:

«حمله‌دار یعنی کسی که صد تا دویست سیصد مسافر را به حج می‌آورد. آن‌ها خود در قید انحصارهایی هستند به نام «صحره»، «شجره»... و اگر کسی در انحصار یکی از آن‌ها نباشد، اجازه ورود ندارد...»^{۳۵}

ج - راهزنی و سرقت:

حکایت از راهزنی و سرقت اعراب به شکلی بسیار گسترده در کل متون از آغاز تا امروز نقل شده و بسیار چشمگیر است. بارها از شیوه‌ها و تاکتیک‌های راهزنان گروهی و روش‌های دزدان منفرد سخن به میان آمده است. این موضوع چنان گسترده و شایع بوده است که هیچ سفرنامه‌ای یافت نمی‌شود که شواهد متعددی از آن ارائه نداده باشد. به عنوان نمونه، ناصر خسرو از راهزنانی سخن به میان می‌آورد که مسافران را «صید» می‌نامند.

قرن‌ها بعد از ناصر خسرو، از همین ناحیه داخلی شبه جزیره که او به طور معجزه‌آسا از آن نجات یافته، مسافر دیگری عبور می‌کند که او نیز شگفت زده از عقاید و رسوم اعراب این ناحیه حکایت می‌کند و مشابه حدیث ناصر خسرو را تکرار کرده، می‌نویسد:

«اهل این وادی هم معتقدند که راهزنی و قافله‌گارت کردن مباح است...»^{۳۶}

مطابق سفرنامه‌های دوران قاجار، حضور این راهزنان به نواحی عربستان محدود نمی‌شد، بلکه دامنه آن به عراق نیز کشیده شده بود. چنان که از دسته‌های دویست نفری راهزنان در عراق حکایت شده است و این کار چنان بالا گرفته بود که حتی چادر سلطنتی ناصرالدین شاه نیز در امان نمانده بود.

در این مقاله مجالی برای پرداختن دقیق به شیوه‌ها و

تاکتیک‌ها و یا فرهنگ و ویژه راهزنان نیست، در عین حال باید به این نکته به صورت معترضه اشاره کرد که سفرنامه‌های ایرانی از آن جهت که نویسندگان آن‌ها به طور مستقیم درگیر این پدیده بوده‌اند، بیش از هر منبع دیگری برای رفتارشناسی و بررسی لایه‌های درونی‌تر این بخش از فرهنگ اعراب، مناسب هستند. هم چنین باید اضافه کرد که در رواج این بی‌رسمی و عادت ناخوشایند، دولت‌ها نیز نقشی مهم ایفا کرده‌اند و سهم عمده دزدی‌ها در واقع به عمال و حاکمان وقت تعلق داشته است که از انبوه اشاره‌های مندرج در سفرنامه‌ها در این مورد، به نقل یکی اکتفا می‌شود:

«عثمانی‌ها مشعوف هستند از این که دزدوار را تخت می‌کنند...»^{۳۷}

پی‌نوشت‌ها:

۱. از دیگر عوامل مؤثر در گسترش جغرافیا و به موازات آن سیاحت، می‌توان به مراسم حج که گاه مسافرت‌های طولانی به دنبال داشته است، تأکید بر کسب علوم که طلاب را در پی یافتن مدرس و مدرسه به مسافرت دور می‌کشانده و نیز تجارت، یافتن شغل بهتر و سرانجام تشویق قرآن به سیر در آفاق، اشاره کرد.

۲. نایب‌الصدر شیرازی، محمد معصوم، تحفه الحرمین، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۷۵، ص ۱۴۹.

۳. بهار (ملک الشعرا)، محمد تقی، سبک‌شناسی، جلد سوم، تهران: انتشارات کتاب‌های پرستو، ۱۳۵۶، ص ۲۸۱.

۴. اعتصام الملک، خانلرخان، سفرنامه میرزا خانلرخان نایب اول وزارت امور خارجه، به کوشش منوچهر محمودی، تهران: انتشارات چاپخانه فردوسی، بی‌تا، صص ۵۹ تا ۷۱.

۵. همان، ص ۶۷.

۶. همان، ص ۶۲.

۷. همان، ص ۶۵.

۸. نکته توضیحی و قابل تأمل دیگر این که درست در همین دوران با تعدد نسبتاً قابل توجهی از سفرنامه‌های سیاحان اروپایی مواجه می‌شویم که همگی به قصد دیدار شرق و ایران و اصفهان (پایتخت صفویان)، راهی این نواحی شده‌اند. آن‌ها در برابر این وفور قابل توجه است.

۹. معرفی سفرنامه «محبی لاری» و نیز سفرنامه منظوم بانویی اصفهانی در قرن دوازدهم، از مقاله «سیاحت‌گری و فرهنگ سفرنامه‌نویسی» مندرج در کتاب مقالات تاریخی، نوشته رسول جعفریان، صص ۱۵ - ۳۱۴ گرفته شده است.

۱۰. جعفریان، رسول، مقالات تاریخی (دفتر سوم)، قم:

- نشر الهادی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۱.
۱۱. به کارگیری شیوه‌ی سفرنامه‌نویسی در خدمت مقاصد سیاسی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار دوره‌ی مشروطیت، یعنی سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ کاملاً نمود می‌یابد. تا آن جا که همگان این کتاب را از مهم‌ترین آثاری به‌شمار آورده‌اند که نقشی اساسی در بیدارسازی ایرانیان ایفا کرده است.
۱۲. ناصر خسرو، ابومعین، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۶، ص ۱۲۳.
۱۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، صص ۱۷ و ۲۱.
۱۴. شروانی، حاج زین العابدین، ریاض السیاحه، تصحیح اصغر حامد، تهران: کتابفروشی سعدی، ۱۳۳۹، ص ۷۲۷.
۱۵. فراهانی، میرزا حسین، سفرنامه میرزا حسین فراهانی، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: انتشارات مرکز مطالعه و تحقیق تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، ۱۳۶۲، صص ۷ - ۱۸۶.
۱۶. سفرنامه ناصر خسرو، پیشین، ص ۶۱.
۱۷. نایب‌الایاله، رضاقلی میرزا، سفرنامه نایب‌الایاله، تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷.
۱۸. پیرزاده، حاج حسن، سفرنامه، جلد دوم، تصحیح حافظ فرمانفرمایان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۲۱۵.
۱۹. ناصرالدین شاه، سفرنامه کریم‌بلا و نجف، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی، بی‌تا، ص ۱۰.
۲۰. هدایت، مهدی قلی، سفرنامه مکه از راه سبیری، چین، ژاپن، آمریکا، اروپا، مصر، شام، بیروت، یونان و ترکیه، حواشی و فهرس به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران: تیرازه، ۱۳۶۸، ص ۲۴۶.
۲۱. همان، ص ۲۷۳.
۲۲. امین‌الدوله، حاج میرزا علی خان صدراعظم، سفرنامه امین‌الدوله، با مقدمه علی امینی، تهران: توس، ۱۳۵۴، ص ۲۱۱.
۲۳. پیرزاده، پیشین، صص ۱۲ - ۳۱۱.
۲۴. فراهانی، پیشین، ص ۱۷۸.
۲۵. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۵.
۲۶. هدایت، پیشین، ص ۲۴۵.
۲۷. فراهانی، پیشین، ص ۱۵۴.
۲۸. همان‌جا.
۲۹. ناصرالدین شاه، پیشین، ص ۱۳۴.
۳۰. همان، ص ۱۱۵.
۳۱. همان، ص ۱۲۰.
۳۲. فخرالملک، ابوالحسن خان، از حریم تا حرم، تصحیح
- محمدرضا عباسی، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۳۷.
۳۳. همان، ص ۶۴.
۳۴. همان، ص ۶۰.
۳۵. ناصرالدین شاه، پیشین، ص ۲۰۲.
۳۶. اصطخری، پیشین، ص ۴.
۳۷. همان ۷ ص ۵.
۳۸. مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶، ص ۲۳.
۳۹. همان، ص ۲۷.
۴۰. همان، ص ۲۹.
۴۱. نایب‌الصدر، پیشین، ص ۴۱.
۴۲. شروانی، پیشین، ص ۷۰۷.
۴۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۰۶.
۴۴. شروانی، ص ۲۶۹.
۴۵. فراهانی، پیشین، ص ۲۶۱.
۴۶. سفرنامه ناصر خسرو، صص ۱۰۶ - ۱۰۵.
۴۷. امین‌الدوله، پیشین، صص ۳۲ - ۳۳۱.
۴۸. فراهانی، صص ۲۶۴ و ۲۶۱.
۴۹. همان، صص ۹۹ - ۱۹۶.
۵۰. نایب‌الصدر، ص ۲۰۷.
۵۱. آل احمد، جلال، خسی در میقات، چاپ سوم، تهران، ۱۳۴۶، ص ۴۹.
۵۲. نایب‌الصدر، ص ۲۶۸.
۵۳. فخرالملک، پیشین، ص ۵۸.

